



شماره ۱۷\_ فصلنامه زمستان\_ اسفند ماه ۱۴۰۰

آنچه در این شماره میخوانیم...



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پس از ۵۷...

از دواج! سنتی یا مدرن!؟

روایت تجربیات معلم ارزش آفرین

دیروز غرب گرایی! امروز شرق گرایی! فکری برای فردا



## فصلنامه زمستان

شماره ۱۷

زمستان ۱۴۰۰

○ صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی پردیس شهید رجایی قزوین

○ مدیرمسئول: جواد رضایی

○ سردبیر: محمد قلی بیگی

روابط عمومی : رضا امینی

گرافیکست و صفحه آراء : فاطمه سادات جلیلی، محمد جلیوند

ویراستاران : محسن عسگری، محمدرضا جهانبخشی

گوینده: فاطمه سادات معالی

هیئت تحریر: محمداقبر گرگانی فیروزجاه، یاشار صالحی، بهنام مولایی،

علی یوسفی رامندی، رضا نانکلی، حسن مهرعلیان، محمد مهدی نورالهی،

زینب علیخانی، فاطمه امامقلی، مریم آقاییاری

باتشکر از: دانیال طاهرخانی، امیررضا مظفری و معلم موفق و ارزش آفرین ،

خانم فاطمه گرامی

○ Instagram: nashrie\_enekas\_cfu

○ Telegram: nashrie\_enekas\_cfu

راههای ارتباطی:

# انجمن

## فهرست

- پس از ۵۷ ..... ۵
- روایت تجربیات معلم ارزش آفرین از زبان خودشان ..... ۶
- ایستگاه مطالعه ..... ۸
- دیروز غرب گرایی! امروز شرق گرایی! فکری به حال فردا ..... ۹
- ایستگاه فیلم و سریال ..... ۱۰
- ازدواج! سنتی یا مدرن؟! ..... ۱۱
- نقش مدرسه در پایبندی به اصول اخلاقی ..... ۱۲
- ایستگاه طنز ..... ۱۳
- تدریس معکوس ..... ۱۵
- فن بیان ..... ۱۷
- ایستگاه ادبی ..... ۱۸

ازنگہ

سخن رہبرے

تحلیل یاسے کردن، حوادث یاسے راشناختن، فهمیدن،  
منتقل کردن، یکے از آن کارہاے بسیار اسے است  
کہ حرکت عمومے جامعہ را **تسریع میکند،**  
**شکل میدہد و کمک میکند.**

۱۳۹۸/۰۳/۰۱

#جہاد\_تبیین



محمد ای دو جهان زیر بار منت تو      مبارک است به خلق و خدا نبوت تو  
خجسته باد به عالم ظهور دولت تو      تمام نور بود از چراغ حکمت تو

سپاس، پروردگار هستی بخش را که به لطف و کرمش توفیقی حاصل شد تا بتوانیم  
هفدهمین شماره نشریه انعکاس را نیز منتشر کنیم.

با استقبال خوشایند دانشجوی معلمان اهل قلم، خانواده انعکاس فراتر از پردیس شهید رجایی  
قزوین رفت و از این رو نشریه انعکاس از حالت داخلی دانشجویی فراتر رفت و امیدواریم  
با یاری اساتید و مسئولین دانشگاه، در این مسیر، آنچه باشیم که دانشگاه فرهنگیان  
بدان نیاز مند است...

و نیز از مواردی که مخاطبین و همراهان نشریه باید آنرا مدنظر قرار دهند این است که  
در جهت تنظیم زمان انتشار، نشریه از حالت گاهنامه خارج شده و به حالت فصلنامه  
منتشر میشود که امیدواریم تغییر مثبتی در جهت راهبرد هدفمند نشریه باشد...  
امید است با ارتباط بیشتر و تعامل دو سویه، روز به روز بر غنای نشریه افزوده شود  
و به اهداف خود نزدیکتر شویم؛ در همین راستا پذیرای پیشنهادات شما همراهان عزیز  
نشریه هستیم...

همچنین از تمامی همکارانی که چه در دانشگاه فرهنگیان قزوین و چه در پردیس های خارج  
از استان، ما را در تهیه و نشر این نسخه از نشریه همراهی کردند، کمال تشکر و  
قدردانی را داریم...

انفکاس

«العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوائس»

کسی که زمانه خود را می شناسد لغزش هابرو هجوم نمی آورد.

امام صادق (ع)



گسترده‌گی اعتراضات و اقدامات علیه حکومت پهلوی، سبب محو شدن شعارها و اهداف گروه‌های مختلف انقلابی در آن برهه از زمان گردید. تکثر گروه‌های سیاسی که بر پایه اهداف، ایدئولوژی و روش مبارزاتی شان استوار بود، از جمله ویژگی‌های این برهه از زمان می باشد، اما با گذشت زمان، تشکیل احزاب اسلامگرا و موضع‌گیری‌ها و اقدامات تشکیلی آنها، سبب شد تا گروه‌ها و احزاب اصیل از بقیه گروه‌های التقاطی متمایز گردد. از جمله‌ی احزابی که پس از انقلاب تشکیل شد میتوان به جریانات چپ چریک‌های فدایی خلق، حزب توده، منافقین (سازمان مجاهدین خلق)، جریانات راست (لیبرال) و ملی‌گرا، جامعه روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و... اشاره کرد. در این شماره از نشریه انعکاس گذری بر تاریخ خواهیم زد و به صورت کلی به خیانت‌ها و اقدامات خصمانه منافقین (سازمان مجاهدین خلق) خواهیم پرداخت...

سازمان مجاهدین خلق به رغم بی‌اعتقادی به روش و هدف امام خمینی، زمانی که ناباورانه شاهد ریشه‌کن شدن بنیان رژیم سلطنت به دست آن رادمرد شدند در فرصت کمی که برای اندیشیدن داشتند، به لحن متملقانه درباره مردی متوسل شدند که تا همان روز شیوه‌های مبارزاتی او را مورد استهزا قرار می دادند. در آخرین ماه‌های رژیم سلطنت با آزادی تمامی اعضای سازمان منافقین از زندان، آنها با استفاده از برانگیختن عواطف و بزرگ‌نمایی نقش خود به عنوان تنها گروه مذهبی پیشتاز و مترقی توانستند هوادارانی را عمدتاً از دانشجویان گرد خود جمع کنند. این جمع در جریان درگیری مسلحانه روزهای پیروزی انقلاب به جمع‌آوری و اختفای سلاح و استقرار در برخی از مراکز مصادره شده از رژیم گذشته و ضبط اموال آنها به نفع خود مشغول شدند. در شرایطی که نیروهای انقلاب، بدون چشم داشت به دستیابی به قدرت، برای حفظ نظام نوپا، خواب را به چشمان خود حرام کرده بودند، منافقین در حال ایجاد ساختار جدیدی با عنوان «جنبش ملی مجاهدین» برای توده‌ای کردن سهم‌خواهی‌های خود بودند. در این تشکیلات جدید، یک شبکه زیرزمینی وجود داشت که اعضای برجسته سازمان به بهانه حفاظت از مراکز آن به آموزش جنگ چریکی مشغول بودند. این شبکه همچنین با اعزام نفوذی،‌های خود به درون نیروها و نهادهای جمهوری اسلامی آن را سازماندهی و هدایت می کرد. هسته مرکزی این شبکه از اطرافیان و حامیان رجوی، در زندان قصر بودند. در کنار این شبکه تشکیلاتی دیگری همچون «سازمان جوانان مجاهد» کار جذب نیروهای جدید از میان دانشجویان و دانش‌آموزان را آغاز کرده بودند. متأسفانه در آن مقطع، تصفیه دادگاه‌های انقلاب از وجود منافقین به درستی صورت نپذیرفت و آنها در سال ۱۳۶۰ توانستند از طریق نفوذی‌های خود، افراد خوبی مثل آیت الله قدوسی و محمد کجویی را به شهادت برسانند. بی‌اعتنایی مردم به نظرات منافقین در جریان همه پرسی‌های جمهوری اسلامی و قانون اساسی، انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی و بلاخره محرومیت رجوی، رئیس سازمان، از نامزدی برای ریاست جمهوری به دلیل دادن رای منفی به قانون اساسی و سپس عدم موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری اول، این گروهک را در تکاپوی چاره‌جویی به تشدید تشنج آفرینی سوق داد. منافقین در آستانه افتتاح مجلس اول با برگزاری اجتماعی در امجدیه و طرح دیدگاه‌های تشنج‌آفرین و نیز ایجاد درگیری‌های فیزیکی در شهرستان‌های مختلف و در دست گرفتن مستسمک‌هایی مثل متهم کردن یکی از اعضای موثر حزب جمهوری اسلامی (دکتر حسن آیت) به توطئه کودتا برای سرنگونی رئیس‌جمهور، به نظام چنگ و دندان نشان دادند. بدین ترتیب امام خمینی در اولین موضع‌گیری آشکار درباره سوابق انحراف این گروهک و در روز ۴ تیرماه ۱۳۵۹ به صراحت آن را «منافق» خواندند. بیان صریح امام منافقین را چنان تحت فشار اجتماعی قرار داد که در هشتم تیرماه ۱۳۵۹، این گروهک تعطیلی موقت مراکز و دفاتر خود را اعلام کرد. بالاخره در ۲۸ خردادماه، آنها با صدور اعلامیه جنگ تمام‌عیار با جمهوری اسلامی و نیز آغاز درگیری مسلحانه، روند نابودی این سازمان را تسریع کردند و روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به عنوان سندی از ددمنشی آنان در همیشه‌ی تاریخ این سرزمین باقی ماند. گرچه در این جنگ منافقین سرکوب شدند، اما به اقدامات خود علیه انقلاب و نیروهای انقلابی ادامه دادند؛ به طوری که جنایت عظیم انفجار حزب جمهوری اسلامی و شهادت ۷۲ تن از یاران انقلاب در هفتم تیر را به کارنامه خود افزودند. تا سال ۱۳۶۱ تقریباً تمامی خانه‌های تیمی منافقین از بین رفت و بسیاری از منافقین از کشور گریختند. باقی‌ماندگان منافقین در داخل ایران تا پایان جنگ وظیفه جمع‌آوری اطلاعات برای ارتش رژیم عراق و ترور هم‌میهنان شان را به عهده داشتند؛ به گونه‌ای که ترور حدود ۱۷۰۰۰ نفر، لکه‌ای پاک‌نشده بر دامن منافقین است. در سال ۱۳۶۵، با ورود رجوی از فرانسه به عراق، سایر نیروهای منافقین که در کشورهای دیگر عمدتاً در فرانسه به سر می بردند، وارد عراق شدند و در اختیار صدام قرار گرفتند. ارتش بعث عراق با استفاده از سازمان منافقین در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷، طی عملیاتی هفت ماهه در ۴ استان عراق بیش از ۱۸۲۰۰۰ نفر مردم بی‌دفاع را به قتل رساندند.

در سال ۱۳۶۷، درست ۶ روز پس از قبول قطعنامه ۵۹۸، منافقین طی عملیاتی به نام «فروغ جاویدان» با پشتیبانی هوایی و توپخانه‌ای عراق، با تمام قوا و با هدف فتح ۴۸ ساعته تهران، وارد خاک ایران شدند. در نهایت نیروهای انقلاب، طی عملیاتی به نام مرصاد، منافقین را در تنگه «چهار زیر» که بعدها تنگه مرصاد نام گرفت به سختی زمینگیر کردند، تعداد بسیاری را به هلاکت رساندند و بسیاری دیگر را اسیر کردند.

منبع: کتاب احزاب پس از ۵۷ سازمان بسیج دانشجویی



روایت تجربیات معلم ارزش آفرین از زبان خودشان

محمدباقر کرگانی فیروزجاه

دانشجوی ترم ۸ آموزش ابتدایی  
عاشق معلمیه و علاقه مند به نگارش مقاله و کتاب...



تجربیات معلم ارزش آفرین در دوران کرونا از زبان خودشان

وقتی قرار شد آموزش در کلاس حضوری نباشد و بچه ها را دیگر نبینم ، هزار سؤال بی جواب برایم پیش آمد که چگونه آموزش را ادامه دهم .

مانند خیلی از معلم ها ادامه درس را در واتساپ شروع کردم ، در واتسا فیلم و پیام ها صوتی آموزشی ارسال می کردم و نوآموزان تکالیف خواسته شده را در گروه ها تشکیل شده در واتساپ ارسال می کردند. موضوعی که باعث نارضایتی من می شد ، این بود که تعاملی بین مربی و نوآموز نبود و برای من هم به یقین مشخص نبود که نوآموزان به فایل های صوتی گوش می کنند ویا فیلم های آموزشی را می بینند و تکالیف ارسالی را خودشان انجام می دهند. تا اینکه خیلی زود با تدبیر و برنامه ریز مدیریت مدرسه زندگی ، برنامه ی نرم افزاری adobe connect را همه ی معلمان و دانش آموزان مدرسه بر روی موبایل تبلت یا لب تاپ شخصی خود نصب کردند. بنظر خیلی از خانواده ها و حتی بعضی از این برنامه جدید ، برنامه ی عجیبی بود و هیچ امیدی برا نتیجه گرفتن از این برنامه وجود نداشت ، باورش آسان نبود که معلم با استفاده از یک برنامه نرم افزاری مانند کلاس واقعی حضور و غیاب کند ، درس بدهد و دانش آموزی همان لحظه پاسخ پرسش ها را بدهد و سایر دانش آموزان و معلم او را ببینند و اسخس را بشنوند. اجرای این برنامه بامقاومت خیلی از خانواده ها روبه رو شد ، حرفشان این بود که :

- این برنامه را نمی شود نصب کرد.

- مگر می شود در چنین فضایی درس خواند و پاسخ پرسشها معلم را داد ؟

- دانش آموزان بدون حضور فیزیک معلم ، جدیت کلاس را باور نمی کنند

با تلاش کارکنان مدرسه این برنامه به نحو احسن راه اندازی شد و به اجرا در آمد ولی مشکلاتمان به راحتی حل نشد ، ضعیف بودن شبکه های اینترنت مشکل بیشتر خانواده ها برای پیوستن دانش آموز به کلاس مجازی آنلاین بود و از طرفی نداشتن صدا و تصویر در روزها اول نصب برنامه به دلیل عدم آگاهی کامل از نحوه ی فعال سازی قسمت ها مختلف نرم افزار ، مسأله ی بعدی بود که مرا وادار کرد که درکنار آماده سازی و اجرای کلاس مجازی آنلاین ( Adobe connect ) تا اتصال کامل و بی نقص خانواده ها چاره ای بیندیشم تا نوآموزان از آموزش روزانه جا نمانند . تصمیم گرفتم از کل کلاس مجازی آنلاین که در آن درس می دادم ، بازی می کردیم و پرسش پاسخ هم انجام می شد با موبایل فیلم بگیرم و بعد کلاس برای جا مانده ها از اتصال به کلاس مجازی در واتساپ ارسال می کردم . ساعت کلاس مشخص بود ، دانش آموزان در ساعت تعیین شده آنلاین می شدند و حضور خود را اعلام می کردند ، حضور و غیاب انجام می شد و کار طبق روال کلاس واقعی با سلام و احوالپرسی و خواندن یک سوره از قرآن شروع می شد. همه ی کارها و برنامه های ما نزدیک به کلاس واقعی شده بود ولی هنوز یک موضوع آزارم می داد ، دانش آموزان حاضر بودند ولی یشت صفحه ی مانیتور ، این موضوع شوق تدریس را مانند کلاس حضوری در من به وجود نمی آورد. کلاس برای من که معلم بودم اینگونه تعریف شده بود :

- یعنی حضور فیزیکی

- بودن کنار نوآموزان

- درآغوش رفتن هر صبحگاه

- خداحافظی پر از عشق پایانی

- چشم در چشم تدریس کردن و ...

باید قبول می کردم که در آن زمان با توجه به اتفاقی که افتاده بود و قرارشده بود مدرسه ها تعطیل باشد ولی آموزش تعطیل

نباشد ، من هم با شرایط پیش آمده مانند دیگران سازگار شوم ، یس باید طوری تدریس می کردم که نوآموزانم مانند قبل برای دیدن تدریس روز بعد من مشتاق باشند. با این فکر عروسک های دستکشی به کلاس ورود پیدا کردند و همراه من در تدریس ها روزانه شدند ، من معتقد بودم نوآموزان احتیاج به محرک داشتند تا به میل خودشان سرکلاس مجازی آنلاین حاضر شوند نه با اصرار پدر و مادر. به این نتیجه رسیدم که باید ی سری برنامه ها آموزشی را خارج از ساعت کلاس مجازی ضبط کنم و برای نوآموزان

ارسال کنم تا در ساعت بیکار در منزل فیلمها را ببینند و روز بعد در کلاس مجازی با هم بحث و گفتگو کنیم . دست به قلم شدم و متن نمایش بزی و جادوگر را نوشتم ، صحنه و عروسک ها را آماده کردم ، نمایش ۶ قسمتی بز و جادوگر مجموعه ای از نمایش آموزشی ، بهداشتی بود که باعث شادی و علاقه ی بچه ها برای یادگیری های جدید شد.

این مجموعه ی ۶ قسمتی :

- مربوط به مراقبت های بهداشتی دوران قرنطینه بود .

- مربوط به کارهایی که برای سالم ماندن باید انجام می شد .

- مربوط به غذاهای مفیدی که باید خورده می شد .

ولی نمایش هم به تنهایی کافی نبود . از نویسندگی و نوازندگی شنتیا جان ، پسر هنرمندم کمک گرفتم و نمایش موزیکال و شعرهای آموزشی موزیکال درست کردیم و بر روی کلیپ های آموزشی مختلف صداهای دوست داشتنی و کودکانه گذاشتیم و بدین ترتیب انگیزه ی نوآموزان برای همراهی روزانه در کلاس مجازی آنلاین بیشتر شد .



### روایت تجربیات معلم ارزش آفرین از زبان خودشان

برای پیدا کردن ایده و فکر نو هر روز در گوشه های ذهنم پرسه می زدم . فکر جدیدی مرا مشغول خودش کرد و این بود که ما در کلاس حضوری با نوآموزان بازی می کردیم و آنها با شور و نشاط و قهقهه با من همراه می شدند ولی چگونه می توانستم تو کلاس مجازی آنها را با بازی پشت صفحه ی مانیتور شاد کنم ؟

چگونه می توانستم از نوآموزانم بخواهم که بازی های آموزشی را که هدف بیشتر آنها تقویت مهارت های حرکتی و ایجاد تعامل و افزایش دقت و تمرکز و نشاط بود را انجام دهند؟

به دنبال برنامه ی جدید بودم تا نوآموزان با شوق با من همراه شوند نه به اجبار خانواده و رفع تکلیف ، تا اینکه مجموعه بازی های بازی در خانه همراه با فشنگ را طراحی کردم و با شعار ما در خانه می مانیم ، فشنگ را هم وارد آموزش بازی کردم . دوست داشتنی که مورد توجه و آشنای قدیمی بچه ها بود .

نوآموزان هر روز منتظر بودند که قراره فشنگ در کنار خانم مربی با شیطنت و بازیگوشی چه بازی را آموزش بدهد . فشنگ با اجرای بازی های جدید و حرکات نمایشی و آموزشی آرام آرام وارد دنیای پاک کودکان شد و نوآموزان حضور فشنگ را مانند بزی و جادوگر قبول کردند . آنقدر حضور بزی را باور کردیم که برای آشنایی با مفهوم عدد ۶ برای بزی تولد ۶ سالگی گرفتیم و کیک و شمع و کادو و... آماده کردیم . با کارها و برنامه های جدید دوستی و مهربانی و صمیمیت را هر روز به نوآموزان یاد آوری می کردم . هر روز با سلامی پرانرژی تمام تلاشم را میکردم که فاصله ها را کم کنم و دوست داشتنمان را زیاد.

با آمدن سال جدید شخصیت نمایشی حاجی فیروز و موش موشی هم وارد کلاس مجازی و آموزش ما شدند و من با حضور شخصیت های جدید به نوآموزانم ثابت کردم که برای شاد بودنشان هر کاری که از دستم بر بیاید انجام می دهم . برای رفاه نوآموزان و خانواده ی آنها کاربرگ ها را طوری طراحی می کردم که با قلم موبایل قابل انجام دادن باشد و کار روزانه ام طراحی کاربرگ جدید بود . کاربرگ هایی با تصاویر جدید و مورد علاقه ی نوآموزان .

فیلم های آموزشی با تحقیق نوآموزان در مورد موضوع مورد نظر با همکاری خانواده ها به سمت وسوی خوبی هدایت می شد در آن روزها بود که فهمیدم نوآموزان برای خلق هر اثری می توانند با راهنمایی بزرگترها موفق باشند . با پیشنهاد من فیلم ها و کلیپ های آموزشی در برنامه ی viva video کار می شد و توضیحات نوآموزان روی تصاویر جمع آوری شده یا فیلم مورد نظر با صدای معصوم خودشان گذاشته می شد ، نوآموزان با دیدن نتیجه ی کار خودشان ذوق می کردند و دوستانشان مشتاق و مشتاق تر می شدند که کلیپ کار بعدی را آنها بسازند . بالا رفتن حجم کارهای ارسالی نشان دهنده ی رقابت سالم بین نوآموزان بود. دیگر برای تولید محتوا تنها نبودم ، ۳۰ نوآموز با خانواده ی فعال همراه من بودند که فیلم های آموزشی ، هنری ، بازی و... را هر روز برایم ارسال می کردند ، بازخوردها پس از پایان تدریس ، آموزش و بازی بی نظیر بود ، تمام خستگی هایی که برایتولید محتوا و برنامه ریزی داشتم با دیدن بازخوردهای گوناگون به یکباره از بین می رفت . هر روز وقتی برنامه های مورد نظر کلاس مجازی به پایان می رسید ، تصاویر نوآموزان را در کل صفحه فعال می کردم تا همه ی نوآموزان تصاویر دوستانشان را ببینند و هر نوآموزی مایل بود با بقیه صحبت کند دستش را بلند می کرد و بعد از اجازه دادن و فعال کردن صدایش با من و دوستانش صحبت می کرد و از احساساتش و کارهایی که در دوران قرنطینه انجام میدهد ، برای دوستانش با اشتیاق تعریف می کرد. خدا را شکر می کردم انکار همه چیز طبق قوانین قبلی مدرسه و کلاس در حال اجرا شدن بود : حضور به موقع نوآموزان در ساعت تعیین شده ، حضور و غیاب روزانه توسط مربی ، تأکید بر درست نشستن موقع تدریس ، با توجه به اینکه در منزل بودند، انجام حرکات آزاد و بازی های کوتاه و ربتیمیک بعد از خسته شدن از درس، اجازه گرفتن قبل صحبت کردن، دیدن روزانه ی دوستان ( هر چند مجازی بود )، انجام تکالیف روزانه و بررسی آن و ارسال بازخورد برای نوآموزان.

آنقدر باورمان شد که همه کارها و برنامه هایمان را مثل کلاس واقعی سر وقت برگزار کنیم که برنامه ریزی برای اردوی مجازی کردیم اردویی که برای من و همه نوآموزان و مادران خاطره شد و به نظرم یکی از خاطرات قشنگ و فراموش نشدنی شد. در اردوی مجازی شخصیت های مورد علاقه ی نوآموزان فشنگ ، بزی و شیطونک هم با ما همراه بودند . وقتی برق شوق و باور را در نگاه نوآموزان می دیدم یقین حاصل کردم که موفق شدم و این باعث رضایت شغلی و خوشحالی من می شد و خوشحالی من زمانی دو چندان می شد که می دانستم با فعالیت در گروه جهادی ایتا که یک کانال مرجع برای مربیان پیش دبستانی بود به عنوان یکی از مدیران گروه پیش دبستانی ، با ارسال آثار تولید شده ی خودم در کنار کار همکاران دیگر ، نه تنها نوآموزان کلاس خودم در مدرسه غیر دولتی زندگی آمل ، از برنامه ها و ایده های من استفاده می کنند بلکه مربیان پرتلاش استان هم که به دنبال ایده های نو برای آموزش و ارسال به نوآموزان بودند از برنامه های تولیدی من برای داشتن آموزشی شاد و متفاوت استفاده می کردند وقتی بازخوردها و رضایت مندی مربیان را می دیدم از خودم و فعالیت طولانی مدت راضی می شدم.

از تماس های مربیان فهمیدم . در کارم موفق شده بودم ، از پیام های مکرر خانواده ها فهمیدم در کارم موفق شده بودم، از پیام های پر از شوق و ذوق نوآموزانم فهمیدم ، در کارم موفق بودم .

و من موفق شده بودم شوق تدریس را با توجه به سن نوآموزانم در فضای مجازی در آنها به وجود بیاورم و با ایجاد انگیزه آنها را هر روز با خودم همراه کنم . دیگر از نرلتن به کلاس حضوری ناراحت نبودم ، چون توانسته بودم وظیفه ام را به عنوان یک مربی به نحو احسن انجام دهم و ادای دین کنم .

از اینکه توانستم سال تحصیلی ۹۸-۹۹ را با موفقیت به پایان برسانم « خداوند مهربان را شاکرم .  
فاطمه گرامی

معلم نمونه استان مازندران در سال ۹۷، مؤلف ۱۰ جلد کتاب کمک آموزشی گروه سنی الف ، و یک جلد ترجمه ی کتاب روانشناسی، عضو گروه جهادی هاتقان امید هلال احمر استان مازندران، مدرس کلاس های ضمن خدمت مربیان پیش دبستانی ، بازیگر، مجری، کارگردان گروه هنری فرهنگ ، نویسنده برنامه های آموزشی گروه فرهنگ، شاعر و نویسنده کتابهای کودکانه . پشتیبان استانی کانال بازی زندگی کودک در شبکه شاد دانش آموزی





## ایستگاه مطالعه

نام کتاب: عادت های اتمی  
نویسنده: آقای جیمز کلیر  
مترجم: خانم زهرا بختیاری

یاشار صالحی

دانشجوی ترم سه آموزش کودکان با نیاز های ویژه  
اهل کتاب و گفتمان و ماجرا جوییه و عاشق گردش و طبیعت گردی...



معرفی و خلاصه ای از کتاب عادت های اتمی:

جیمز کلیر سال ها در مورد عادت ها تحقیق کرده است و این کتاب نتیجه تحقیقات اوست.

او در کتابش به ما می آموزد که برای نتایج بزرگ نباید حتما کار های خارق العاده ای انجام داد و با درست انجام دادن کار های ریز و در ظاهر کم ارزش و نادیده گرفته شده میتوان نتایج بزرگی را رقم زد. چارچوب این کتاب یک مدل چهار مرحله ای از عادت ها و چهار قانون تغییر رفتار است.

این کتاب دارای سه سطح است که در ادامه به آن ها می پردازیم:

در سطح اول، تعریف اهداف را پیگیری و هدفهایتان را تعیین میکنید

سطح دوم، تغییر عادت ها و سیستم های زندگیتان است

سطح سوم مربوط به هویت است. تصویری که از خودتان دارید، اعتقادات و افکار شما در این سطح قرار میگیرد. میبینید که

تغییر عادت ها هر سه سطح را دربر میگیرد و تغییر میدهد.

ما با توجه به اینکه هر روز بعضی از کار ها طی روز انجام می دهیم شاید توجه چندانی به نقش آنها در زندگی نداریم ولی توجه و درست انجام دادن همان عادت های کوچک می تواند نتیجه فوق العاده ای را برای ما رقم بزند

جیمز کلیر در کتابش می گوید: تغییرات کوچک در ابتدای کار هیچ نتیجه ی محسوسی نشان نمیدهند و ممکن است افراد

ناامید شوند؛ اما پابرجایی این عادت های مفید است که بالاخره نتیجه می دهند و شما از دیدن این نتایج شگفت زده میشوید. اگر افراد بدانند تلاشهایشان هدر نمیرود و ذخیره میشود، هیچگاه ناامید نمیشوند.

کار های بزرگ و نتایج بزرگ مانند پازلی عظیم هستند و برای تکمیل آن باید قطعات ریز آن را کنار هم و به درستی جای گذاری کرد برای همین است که عادت های کوچک در آخر نتیجه بزرگ را رقم میزنند.

ایجاد عادت های خوب مثل کاشتن بذری کوچک است که در طول زمان و با مراقبت میتواند به درختی تنومند تبدیل شود.

خیلی از ما انسان ها در تغییر رفتار نا امید یا دلسرد میشویم یا موفقیتی در آن کسب نمی کنیم این به معنی آنکه نخواهیم نیست بلکه روش نادرستی میرویم اکثر ما فکر میکنیم برای تغییر رفتار یا عادت باید کار خاصی انجام داد بلکه اصلا این طور نیست ما باید

از همین رفتار ها و عادت هایی که نادیده میگیریم برای تغییر شروع کنیم و با استمرار نتایج بزرگی را رقم بزنیم.

اگرچه اراده و انگیزه دو عامل مهم برای تغییر عادت ها هستند، نمیتوانیم ارزش بیش از حدی برای آنها قائل شویم. افراد زیادی

هستند که ارادهی کافی دارند و انگیزهشان نیز برای تغییر عادت ها قوی و زیاد است؛ ولی بازهم موفق نمیشوند، چرا؟ چون این

سیستم عادت های ما است که رفتار های همیشگی ما را باعث میشود؛ یعنی آنچه به خوبی از آن آگاه نیستیم. وقتی کاری به عادت تبدیل میشود، خیلی از اوقات آن کار را ناخودآگاه و بدون سختی انجام میدهیم.

نکته پایانی و هدف کتاب:

هدف اصلی کتاب «عادت های اتمی» تمرکز هویتی است که بر پایه ی عادت های فرد به وجود میآید. با این نگرش، تمرکزتان بر آن

هویت و شخصیتی خواهد بود که علاقهمندید باشید. پس، باید تصمیم بگیرید میخواهید چه کسی باشید و با کمک گام های

کوچکی که در جهت آن بر میدارید، این مسئله را به خودتان اثبات کنید.

تقدیم به نگاه پر مهرتان...

با آرزوی توفیق و سربلندی شما عزیزان...



دیروز غرب گرایی! امروز شرق گرایی! فکری به حال فردا...!

در شماره شانزدهم

نشریه انعکاس

از جنگ نرم تمام عیاری گفتیم

که همچون ویروسی تکثیر پیدا میکند و گسترش می یابد، ولی چون همانند

ویروس های شایع، علایم محسوسی ندارد یا نادیده گرفته می شود و یا حتی کشف نمی شوند، در حالیکه خطرناک ترین ویروس، ویروس فرهنگی

است. آری، این جنگ نرم، جنگ نرم تمام عیار کره است، که در شماره قبل ضمن تحلیل اهداف و سیاست گذاری ها و راهبردها و موفقیت های

این جنگ نرم، از رخنه این تهاجم و تخریب فرهنگی در بین جوانان و نوجوانان کشورمان گفتیم و این هشدار را به جامعه دادیم و بازخورد های

زیادی از شما دانشجویان گرفتیم...!

در این شماره می خواهیم به این موضوع بپردازیم که، چه کسی بیشترین سهم را در مقابله و مبارزه با تخریب فرهنگی دارد...؟! از دیرباز نهادهایی فعالیت می کردند که، مسئولیت تعلیم و تربیت فرزندان جامعه را به گردن داشتند، از نسخه های قدیمی آن می توان به

مکتب خانه ها اشاره کرد؛ اما حال مسئولیت تعلیم و تربیت و نیز آموزش و پرورش، به دست نظام کلان و پیچیده ای به نام وزارت آموزش و پرورش

صورت می گیرد. یکی از ارکان این نظام کلان این است که، فرزندان جامعه را با فرهنگ اصیل کشور آشنا کند و به عبارتی دانش آموزان را ایرانی

اسلامی و متعهد به فرهنگ ایرانی اسلامی تربیت کند.

همه چیز طبق این چشم انداز آموزش و پرورش پیش می رود تا وقتی که کشور، همگام با جهانی شدن جوامع تحت تاثیر قرار می گیرد

و شرایط برای نفوذ تهاجم فرهنگی فراهم

می شود...



## جوانان به سلاح های جنگ نرم تجهیز شوند

امروز نیاز مهم کشور ما این است که جوان های ما مجهز بشوند  
به انواع تسلیحات نرم، سلاح های جنگ نرم؛ یعنی قدرت روحی و قدرت فکری

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار  
مناحان و فاکران اهل بیت علیهم السلام  
۱۳۹۸/۱۷/۲۶

نقش جامعه آموزش و پرورش در مقابله با تهاجم و تخریب فرهنگی، نقش بی بدیل است و مدارس **خط مقدم جبهه جنگ نرم** و تهاجم فرهنگی

و معلمان، جبهه داران فرهنگ و به عبارتی مدافعان فرهنگ هستند؛ بنابراین ارتقای علمی معلمان از طریق مطالعه، نقش موثری در مقابله با

تهاجم فرهنگی دشمنان دارد.

مقام معظم رهبری، از معلمان به عنوان افسران پیشرفت نام می برند، چرا که معلمین، رسالت خطیر و مهمی بر عهده دارند که باید به نحو

احسن به آن عمل کنند.

دشمنان، امروز به دنبال حذف فرهنگ قرآنی و دینی از تعلیم و تربیت و نیز جایگزینی فرهنگ غربی و شرقی در کشور هستند؛ اما با تلاش و

رسالت معلمان بر اساس تعالیم دینی، تهاجم فرهنگی دشمنان خنثی می شود، چرا که معلمین تاثیرگذارترین قشر بر روی فرزندان و دانش آموزان

هستند.

لکن ما دانشجویان دانشگاه فرهنگیان که، مدافعان فرهنگ و جبهه داران فرهنگ ایرانی-اسلامی، چه در دوران تحصیل و چه در دوران خدمت در

آموزش و پرورش هستیم، نقش اساسی در مقابله با جنگ نرم داریم و نیز امید است، که آموزش و پرورش ما، به شکل جدی تر و کارآمد تری، با

جنگ نرم تمام عیار غرب و شرق مقابله کند، زیرا که افزودن یک عنوان کتاب درسی به یک مقطعی از مدرسه که، توسط معلم کم اهمیت جلوه

داده میشود، هیچوقت نباید اینگونه القا کند که ما به دانش آموزان مان مقابله با جنگ نرم و سواد رسانه می آموزیم...



## ایستگاه فیلم و سریال

بهنام مولایی دانشجوی رشته مشاوره  
مشاور آینده  
که هم مینویسه هم حرف میزنه هم گوش میده ...



شرلوک (به انگلیسی: Sherlock)

یک مجموعه تلویزیونی بریتانیایی است که، اقتباسی به‌روز شده از داستان‌های کارآگاهی شرلوک هولمز اثر آرتور کانن دوپیل است. این سریال توسط استیون موپات و مارک گیتیس ساخته شده است.

در آن بندیکت کامبریج در نقش شرلوک هولمز و مارتین فریمن در نقش جان واتسون ایفای نقش می‌کنند. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، چهار فصل از سریال تولید و پخش شده است که هر چهار فصل شرلوک دارای سه اپیزود نود دقیقه‌ای است.

همچنین اپیزود ویژه کریسمس سریال نیز در تاریخ اول ژانویه ۲۰۱۶ به روی آنتن رفت. شرلوک محصول مشترکی از شبکه بریتانیایی بی‌بی‌سی و شبکه آمریکایی دبلیو جی‌بی‌اچ است.

مارک گیتیس و استیون موپات به همراه سو ورتیو و ربکا ایتون مدیران تولید سریال هستند. شرلوک به‌طور گسترده‌ای در کاردیف ولز و لندن فیلم برداری شده است. اصلی‌ترین لوکیشن سریال نیز که خانه شماره ۲۲۱ بیکر است، که در شمال لندن قرار دارد.

سریال با تحسین گسترده منتقدان و تماشاگران همراه بود و نقدها و نظرات مثبت بسیاری دریافت کرد. منتقدان، قلم داستانی، شخصیت پردازی، کارگردانی و قدرت تیم بازیگری، به خصوص بندیکت کامبریج را ستودند. شرلوک نامزد و برنده جوایز متعددی همچون جایزه امی، جایزه گلدن گلوب و بفتا شد.

شرلوک در شصت و ششمین جوایز امی ساعات پربیننده موفق شد، سه جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد سریال درام برای بندیکت کامبریج، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد سریال درام برای مارتین فریمن و بهترین فیلم‌نامه سریال درام برای استیون موپات را بدست آورد.

اپیزود ویژه کریسمس سریال نیز برنده بهترین فیلم تلویزیونی از این مراسم شد، همچنین شرلوک در سال ۲۰۱۱ برنده جایزه پیبادی شد، این مجموعه در ۱۸۰ کشور دنیا پخش و دیده شده است. فصل سوم این سریال موفق شد، رکورد پربیننده‌ترین برنامه از سال ۲۰۰۱ تاکنون در بریتانیا را بنام خود ثبت کند.

تمام فصل‌های سریال به صورت دیسک بلوری و دی‌وی‌دی، با بالاترین کیفیت ممکن در دسترس عموم قرار گرفته است. محصولات مرتبط با سریال همچون آلبوم

موسیقی سریال نیز که توسط مایکل پرایس و دیوید آرنولد ساخته شده است، در دسترس است. همچنین در سال ۲۰۱۴، یک اپ موبایل با نام شرلوک در شبکه منتشر شد.





## ازدواج! سنتی یا مدرن؟!



فاطمه امامقلی

یک کارشناس علوم تربیتی که شیفته یادگیری و شناخت خود و خداست نه بیشتر...

بدون قضاوت پا در مسیر بگذار...



و خداوند انسان را خلق کرد... تا عشق را به واسطه او گسترش دهد...

تعریف از ازدواج: ازدواج پیمانی است که به موجب آن پسر و دختر با هم متحد همراه و همدم یکدیگر میشوند و این امر برپایه شخصیت، ویژگی ها مشترک و شناخت تفاوت های طرف مقابل شکل میگیرد.

اشاره قرآن به ازدواج:

همانا برای شما همسرانی از جنس خودتان آفریدیم تا به واسطه آنها به آرامش برسید و بینتان محبت و دوستی برقرار کردیم.

- جایگاه ازدواج در طول تاریخ:

ازدواج به مثابه یک پدیده اجتماعی است که در بستر پیچیده ترین و حساس ترین روابط اجتماعی میان دو جنس مخالف برقرار میشود و به عنوان مقدمه و منشأ خانواده محسوب میگردد، یکی از مهمترین پدیده های اجتماعی زیستی و فرهنگی مربوط به جامعه و انسان است و ازدواج برحسب ماهیت نوع انگیزه میتواند پیامد مثبت و منفی داشته باشد. باتوجه به فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر هر منطقه یا شهر و روستا ازدواج انواع مختلفی دارد که میتواند سنتی یا مدرن باشد:

۱- ازدواج سوء استفاده گرانه: ازدواجیست که شخص مقابل چه جسمی چه روحی مورد سوء استفاده قرار میگیرد.

۲- ازدواج برای مقام و موقعیت: نوعی از ازدواج است که شخص فقط برای رسیدن به پست و مقام و موقعیت اجتماعی و خانوادگی تمایل به این نوع ازدواج دارد و به طور کلی میتوان گفت با شخص مقابلش هیچ وجه اشتراکی ندارد و گاهی بدون شناخت طرف مقابل نیز اقدام به ازدواج می نمایند. (در برخی از این ازدواج ها فرد با این دید که خود را مسئول نجات خانواده از فقر میداند دست به این نوع ازدواج و به نوعی قربانی کردن خود مینماید... و لازم به ذکر است که این گزینه شامل موارد متعددی میباشد که خواهشمند مطالعه داشته باشید).

۳- ازدواج با همسران غائب: در این نوع ازدواج همسران آنقدر گرم کار و فعالیت خارج از منزل هستند که همدیگر را مدت زیادی نمی بینند... و شغل هایی که فرد مجبور است تایم زیادی را دور از همسر خود بگذراند و از این مورد هم نباید چشم پوشی کرد که گاهی این دوری به دلیل برطرف کردن نیاز مالی و تامین معیشت خانواده باشد که اجتناب ناپذیر است و گاهی فرد برای اینکه در کارش برترین باشد این ریسک را پذیرفته.

۴- ازدواج با دوام: ازدواجی است که همگی خواهان آن هستیم و در نظرمان پسندیده است که تا آخر عمر همراه و همدم و هم صحبت هم باشیم و تمام شادی ها و خنده و اشک و مشکلات و غصه ها را باهم و پا به پای هم به دوش بکشیم و بر سرایشی های زندگی فائق آییم. که مستلزم رسیدن به این مرحله رشد فردی هر یک و مجهز شدن به مهارت های فردی میباشد، در آن صورت است که تمام تلاشها به نتیجه مطلوب میرسد.

۵- ازدواج چند همسری که بر دو نوع هست (چند شوهری : ازدواج یک زن با چند مرد که کمتر دیده شده، منتهای در بین بعضی اقوام و قبایل به چشم میخورد... نیال، تبت .. به این شکل که زن با چند برادر یک خانواده ازدواج کرده همه آنان پدر فرزند او میشوند.

چند زنی: همان ازدواج یک مرد با چند زن است که شایع هست در برخی جوامع و گروه ها ( و گاهی با هدف افزایش نیروی کار و فرزند آوری این ازدواج ها صورت میگیرد) و از جمله موارد دیگر که بعد بیشتر توضیح خواهیم داد... ازدواج با ارواح ، ازدواج موقت ، کودک همسری، ازدواج گروهی، ازدواج همجنسگرا، ازدواج سفید، و .... و در ادامه در مورد این سرفصل ها بیشتر برایتان خواهیم گفت:



کمی طنز با خنده گفتیم با خنده بخوان

بچه هابجانبید دست بکار شوید...

گفته اند وقت طلاست میرود از دستها!!!...

قول وام میلیونی داده اند...

منتهای با هزار التماس...

راه صعب العبور کجا بود...؟

هر چه هست شیرینی عشقست...

ثواب هاست در این راه...

به که این راه چشیدن دارد...

ایرادی ندارد اگر خانه نداریم یا اجاره خانه ها نجومیست...

اسم تمامی پارک ها را لیست نموده ایم..

به نوبت، درشان چادر میزنیم...

به که طبیعت زیستن دارد...

تو اصلا فکرت این چیزها نباشد...

همگی یک به یک تکمیلند...

مسئولین قول تدبیر دادند...

- انواع ازدواج

- رسم و رسومات عجیب و غریب ازدواج در فرهنگ های مختلف

- دیدگاه های مختلف به ازدواج

- ازدواج بر پایه ای انجام میگیرد

- معیار های ازدواج

- نقش خانواده در ازدواج سنتی یا مدرن

- مشکلات و موانع هر کدام

- دیدگاه ادیان مختلف به ازدواج

- جایگاه عشق در ازدواج سنتی و مدرن

- نگاه اسلام به جایگاه عشق در ازدواج و .....

- هرچند امروزه امر ازدواج آنقدر در غبار مه آداب و رسومات

عجیب و غریب و پیچیده محو شده که گاهی عبور از این جاده

صعب العبور میباشد...

و لازم است تجدید نظر هایی در این باره صورت گیرد تا آسیب ها

و فشار های ناشی از آن به حداقل برسد..



علی یوسفی رامندی  
دانشجوی رشته آموزش ابتدایی

به نام خدا

## موضوع: نقش مدرسه در پایبندی به اصول اخلاقی در دانش آموزان

دانش آموزان باید خود را در صراط مستقیم نگه دارند چرا که کشور به آنها احتیاج دارد آن دانش آموزی که در مسائل مادی است و غرب زده و فرنگی ماب رفتار می کند او برای کشور کاری نمی تواند انجام دهد آن دانش آموز متدین خواهد بود که کشور را خواهد ساخت. مدرسه به عنوان یکی از شکل های مداخلاتی تربیتی در تاریخ بشر سابقه ای طولانی دارد مدرسه امروزی و مدرن به ویژه ابتدایی مدرسه های است که برای دوران حساس حیات بالنده انسان یعنی دوران کودکی طراحی شده است اگر بپذیریم یکی از شئون مهم و ارزشمند حیات انسان تربیت اخلاقی او است مدرسه باید به این موضوع توجه کند. در تعریفی که از مدرسه و مکتب آمده عبارت است از موسسه ای که به تربیت اخلاقی و علمی نسل نواخته می پردازد و در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از مسئولیت های مهم نظام تعریف شده است و اخلاقی بودن یکی از معیار های شهروند مطلوب بیان شده است. و تربیت اخلاقی فرایند به کارگیری شیوه هایی جهت شکوفا سازی، تقویت و ایجاد صفات مطلوب و رفتار و اداب مطلوب اخلاقی و از بین بردن صفات و رفتار و اداب غیر اخلاقی است. در تربیت اخلاقی روش های متعددی وجود دارد یکی از کارآمد ترین آنها روش الگویی است که غایت آن رسیدن به خود تنظیمی اخلاقی است. الگو یا اسوه به معنای پیروی کردن و اقتدا نمودن است کودک در زندگی به الگو نیاز دارد که بفهمد چه رفتاری انجام دهد و چه رفتاری انجام ندهد و از فواید الگو آموزش سریع مسائل و انتقال مفاهیم و معرفی مصداق به گونه ای که قابل فهم باشد است و تقلید نوعی بی فکری در عمل کردن نیست بلکه باید از مقلد پروری بی استدلال دوری کرد در این روش مربی تلاش می کند نمونه رفتار مطلوب را در معرض دید متربی قرار دهد تا شرایط لازم را برای الگو برداری فراهم کند.

تعلیم و تربیت زیر پوشش عناصر گوناگونی قرار دارد که همه آن ها میتواند برای شاگرد الگو و سرمشق باشد مانند حیاط مدرسه، فضای کلاس، معلم و مدیر و ناظم و شاگردان و همه پدیده هایی که در مدرسه به چشم می خورد ولی دانش آموز بیشتر تحت تاثیر رفتار و رفتار معلم قرار می گیرد لذا شایسته است معلمی که باید به اصلاح دیگران بپردازد ابتدا خودش اصلاح شود و الگو منسجم قرآن باشد و در رفتار خود به آن تاسی جوید و در این مسیر خود را نگه دارد چرا که لغزش الگو آثار بدی دارد و امام علی (ع) در این باره می فرمایند: لغزش الگو مانند شکسته شدن کشتی است که خود غرق می شود و گروهی را نیز با خود غرق می کند. و از طرف دیگر مدیران مدارس هستند که می توانند در ایجاد فضای اخلاقی در مدرسه نقش داشته باشند و زمینه را برای اثر بخشی روش های تربیتی معلم فراهم کنند و از عناصر دیگر هم شاگردی ها هستند و انتخاب دوست در مدرسه بسیار مهم است نداشتن رفیق و دوست صمیمی باعث محدودیت هایی در زندگی دنیا می شود ولی مصیبت بزرگ، رفاقت با عناصر فاسد و همنشینی با گناه کاران است این دوستان با تلقین های شیطانی خود افراد را به گمراهی و ناپاکی سوق میدهند و با وسوسه های منحرف کننده به انواع گناه و پلیدی الوده اش می سازند و از موارد دیگر که می تواند در برنامه تربیتی مدرسه تاثیر گذار باشد فرهنگ خانواده است و غالبیت فرهنگ بیگانه در خانواده موجب اصطکاک الگو در مدرسه می شود و ممکن است برخی ارزش ها را دانش آموز کنار بگذارد لذا هماهنگی بین خانواده و مدرسه مهم است حال آنکه عناصر مدرسه بعد از ایجاد تفکر اخلاقی و تعامل با الگو معیار های اخلاقی رشد می کند و تایین می کند کدام رفتار نهدی شود و کدام رفتار باید انجام شود و اگر افراد مطابق معیار های اخلاقی خود عمل نکنند موجب تحقیر خود می شوند که آثار زیان باری به همراه دارد و موجب تغییر و تحولات شخصیتی در فرد میشود حال با این موضوع انواع توجیهات به عوامل برجسته ای در قضاوت اخلاقی تبدیل می شود و حتی دانش آموزان به طرز ماهرانه ای برای تبرئه خود از توجیه و برای جلوگیری از سرزنش خود از خود سانسوری استفاده می کنند برای مثال مقایسه رفتار غیر اخلاقی بد و رفتار غیر اخلاقی بدتر، انداختن مسئولیت رفتار غیر اخلاقی به دوش دیگران، انجام عمل غیر اخلاقی به صورت گروهی، بی اعتنایی و بی توجهی به پیامد رفتار غیر اخلاقی این مسئله توضیح می دهد که چگونه رفتار نکوهش بار موجب سرزنش خود نشود به طوری که خلاف کاران می توانند میتوانند نقش شان را در آسیب رسانی کم رنگ جلوه دهند.



ایستگاه طنز



رضا نانکلی

دانشجوی رشته مشاوره با اهداف بزرگ که عاشق ادبیات و روانشناسیه...



برای هر دانشجویی شروع امتحان یه سلامه و یه خدافظی ... سلام به بدبختی و فلاکت و خدافظی با همه آرمانای راحتیش که باید برن دنبال نخود سیاه. تو این ایام میمون و مبارک، موضوع مهم و دلخوشی اینه که زنگ بزنی بقیه ببینی خوندن یا نه. من خودم شب امتحان زنگ میزدم بابام میگفتم داری میخونی؟ میگفت نه، خیالم راحت میشد. یه همکلاسی هم داریم هر وقت میپرسم چیزی خوندی یا نه؟ میگه نه مهمون داشتیم فکر کنم تو رستوران زندگی میکنی. و اما روال همیشگی.. قبل امتحان :



+ ۲ فصل بیشتر نخوندم  
- من که هیچی نخوندم  
بعد امتحان :

+ سوال ۶ چی میشد؟ اصلا تو کتاب بود ؟  
- آره بابا صفحه ۲۷۶ پاورقی دیگه :

فشار امتحان جوریه حس میکنم درسام دارن انتقام تک تک صبحایی که به جای گوش دادن بهشون زیر پتو خوابیدمو ازم میگیرن یه مدت قبل امتحان کتابمو بغل میکردم که از دلشون دربیارم بلکه راحت بگیرن ، متاسفانه این تئوریم هم شکست خورد. البته از حق نگذریم ایام امتحان زیبایی خودشو داره مثلا اونجایی که برنامه های شبکه چهار برات جذابیت پیدا میکنه یا مثلا اونجایی که غرق افکار میشی و نمیفهمی چطوری داری به قتلگاه امتحان نزدیک و نزدیکتر میشی... و چه چیزی زیباتر از صفحات خالی جزوه در این جهان فانی؟! از پربرکت ترین روزای ترمم میشه به روزای فرجه اشاره کرد، فرجهها قابلیت اینو دارن که چهارتا سفر شمال بری برگردی، شش تا سریال تموم کنی، تو پنج تا رشته ورزشی مدال بیاری ولی یه خط از جزوه نخونی جالبه بدونید یه نوع بیماری شب امتحانی هم داریم که اینجوریه : بعد از هر یه صفحه درس خوندن میری میشمیری چند صفحه دیگه مونده و این روند تا آخرین صفحه ادامه داره. و اما بشنویم از نحوه سوال دادن استاد:

نحوه درس دادن سر کلاس :  
 $۲ * ۲ = ۴$

حالا نحوه سوال دادن تو امتحان :  
اکبر ۱۳ ساله است ، سن برادرش احمد یک ششم سینوس زاویه دست چپ برادرش است ؛

الف) اگر اکبر نصف پولش را خرج کند ، احمد چند شکلات دارد؟  
ب) پدر بزرگ جعفر را رسم کنید !  
ج) چرا؟  
عاشق سوال آخرم



ایستگاه طنز



به هر حال ما که عادت کردیم... از وقتی یادم میاد فارغ از سن و مقطع و فصل همیشه امتحان داشتیم... و اما چی بود درمان این اندوه دائمی؟ آفرین! تقلب. و اندر مزایای تقلب:



این هم تندیس دانشجوی ایرانی در بحبوحه امتحانات مجازی:



تو یه موقعیتایی هم همیشه زیاد به تصمیمامون اطمینان کنیم... مثلاً همین شب امتحان که قول میدی دیگه طول ترم درس بخونی و نماز صبحاتم قضا نشه... حتی یبارم تو خوابگاه دوستم وسط درس خوندن رفت بخوابه، خیلی هم اصرار داشت که دیگه میخواد شوهر کنه و درس بدردش نمیخوره بنده خدا نمیخواست باور کنه پسره

نقل شده که دانشجوی گرم و سرد چشیده ای میرفت و زمزمه میکرد:

عهد کردم که دگر درس بخوانم همه عمر  
بجز از امشب و فرداشب و شبهای دگر ((

خلاصه که دوران دانشجویی دوران شیرینیه، با درس خوندن خرابش نکنید.



## تدریس معکوس



زینب علیخانی

ترم ۷ علوم تربیتی

مبتلابه سیاست، فعال دانشجویی و رسانه است؛ مطالبه گر دغدغه مند یکم مجریه گاهی نویسنده می‌کنه باچاشنی گویندگی (:)

روش تدریس معکوس

(Flipped classroom)

یکی از مناسب ترین شیوه های نوین آموزش، آموزش فردی و از جمله، آموزش معکوس است. روش تدریس معکوس از انواع روش های تدریس نوین است که در دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از روش های مناسب برای تعامل بیشتر معلم و دانش آموز و نیز دانش آموزان با یکدیگر، اجرای کلاس وارونه است. به کارگیری این روش ویژگی های مثبت بسیاری در فرایند یاددهی و یادگیری دارد.

روش تدریس وارونه، یک استراتژی آموزشی جدید است که دانش آموزان فعالیت هایی که تاکنون در کلاس های سنتی انجام میدادند در خانه انجام میدهند و برعکس. یعنی دانش آموزان تکالیف درسی خود را در کلاس انجام میدهند و در عوض، مواد درسی را عمدتاً در خانه می آموزند. هدف کلی کلاس وارونه دست یابی به سطوح بالای یادگیری است. بنابراین دانش آموزان باید در منزل درس را بیاموزند و یاد بگیرند که چگونه یاد بگیرند؛ آن گاه در کلاس فرصت دارند تا درس را با عمق بیشتری دنبال کنند و یادگیری خود را به سطوح بالاتر شناختی برسانند. از اهداف جزئی این روش تدریس میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

حس کنجکاوی در دانش آموزان

تدریس با روش های نوین و فعال تدریس

افزایش مشارکت دانش آموزان در فعالیت های کلاس

استفاده مناسب از زمان کلاس

فرهنگ یاددهی و یادگیری در کلاس چرخشی، و براساس فرصت‌هایی است که تعامل را در رو برای شاگردان فراهم می‌کند و این با فرهنگ متداول یا سنتی گفت‌وگوی یک طرفه در تضاد است.

در کلاس وارونه، یک موضوع جزء به جزء تدریس نمی‌شود؛ بلکه فرایندی ایجاد می‌شود، که دانش آموز بتواند از الف تا یای موضوع را خودش یاد بگیرد، این ایده اصلی کلاس معکوس است.

در این روش، معلم باید به دنبال طراحی فعالیت‌های یادگیری در کلاس باشد و نقش محوری معلم فقط اطلاع دادن نیست بلکه تسهیل‌گری است. معلمان در کلاس وارونه نسبت مدل سنتی، باید بیشتر بر محتوا مسلط باشند

در کلاس سنتی معلم می‌تواند به نوشته‌ای بچسبد؛ اما در کلاس وارونه باید زیرکانه عمل کند، در یک زمان باید به دانش آموزانی که به کمک بیشتری نیاز دارند برسد و هم زمان در کلاس حرکت کند و به دانش آموز سطح بالای کلاس کمک کند.

گام‌هایی برای وارونه کردن کلاس های سنتی:

گام اول:

گزینش بخش هایی از مفاهیم درسی که با مدل چرخشی نزدیکی بیشتری دارند.

مفاهیمی که مجال برای ابراز مهارت های دانش آموزان باشد.

مفاهیم چالش برانگیزی که دانش آموزان در حین انجام فعالیت های کلاس با آن ها مواجه می شوند.

گام دوم:

داشتن طرح درس با الگوی کلاس معکوس

تهیه محتوای دیجیتالی متناسب با موضوع مورد نظر توسط معلم و در اختیار دانش آموزان قرار دادن

در نظر گرفتن فعالیت های درون کلاس، که روش های ذیل پیشنهاد می شود:

آموزش مسئله محور، آموزش موضوع محور، آموزش جستجوگرانه





## تدریس معکوس

### گام سوم:

هماهنگی بین محتوای خارج و داخل کلاس در این مرحله معلم باید قادر باشد بیرون قاب کلاس، رویدادی که قرار است داخل و بیرون کلاس اتفاق بیفتد، بنگرد تا بتواند میان مفاهیم درسی و فعالیت های آموزشی، ارتباطی درست و منطقی برقرار کند.

### گام چهارم:

هماهنگی بین محتوای آموزشی و نیازهای دانش آموزان، با توجه به اینکه معلم، دانش آموزان و نیازهای آنان را می شناسد. توصیه می شود معلم محتوای آموزشی را تهیه کند و در اختیار دانش آموزان قرار دهد. در صورتی که معلم محتوا را به طور مستقیم تهیه نمی کند و آن ها را از سایت های مختلف می گیرد باید متناسب با نیاز دانش آموزان باشد.

### گام پنجم:

تشویق و ترغیب دانش آموزان به انجام فعالیت های بعدی در خارج از کلاس درس کلاس معکوس یک فعالیت مستمر است و اگر از بیرون نگاه شود، چرخه ای است که با فعالیت خارج از کلاس آغاز می شود، درون کلاس ادامه پیدا می کند و دوباره به خارج از کلاس می رود. برای ادامه این چرخه باید دانش آموزان تشویق شوند که فعالیت های بیرون از کلاس را انجام دهند تا این چرخه از حرکت نایستد.

### نقاط قوت:

فردی کردن یادگیری هردانش آموز  
تعامل بیشتر بین دانش آموزان و معلم  
فرصت بیشتر معلم برای کمک به دانش آموزانی که به تلاش بیشتر نیاز دارند.  
مجال بیشتر برای معلم تا دانش آموزان مستعد را به چالش بکشد.

### چالش های پیش رو:

تعلیم معلمان که چگونه کلاس یادگیری را به خوبی معکوس کنند.  
فراهم آوردن زمان برای معلمان که کلاس/ یادگیری را به طور مؤثر معکوس کنند.  
فراهم کردن امکان دسترسی برای دانش آموزانی که دسترسی محدودی به فناوری دارند.  
در صورتی که وارونه شدن درست صورت نگیرد، تعامل بین دانش آموزان و معلم کاهش می یابد.  
تهیه ویدیوی کلاس.

### نحوه ارزیابی عملکرد معلمان در کلاس معکوس:

یادگیری معکوس از بسیاری جهات نظام ارزیابی معلمان را تغییر می دهد.  
معلمان دیگر به خاطر این که چگونه اطلاعات را به دانش آموزان منتقل کنند و یا چگونه دانش آموزان را ساکت نگه دارند قضاوت نمی شوند بلکه بیشتر با توجه به نحوه عملکرد دانش آموزان خود و چگونگی درگیر شدن با محتوا مورد قضاوت قرار می گیرند.





## فن بیان



**حسن مهرعلیان**  
دانشجوی ترم سه آموزش ابتدایی  
صاحب ذوق در حوزه نویسندگی و عاشق معلمی

فن بیان، مستلزم شناخت اصولی سبک های ارتباطی است؛ در این شماره نشریه به انواع سبک های ارتباطی میپردازیم...

ما در طول روز با افراد مختلف ارتباط و معاشرت داریم...

از نظر روانشناسان انسان در ارتباط با دیگران یا پرخاشگرانه برخورد می کند یا منفعلانه یا منفعله پرخاشگر یا جرأتمندانه روانشناسان معتقدند که می توانید از سه سبک ارتباطی یعنی پرخاشگرانه و منفعلانه و منفعله پرخاشگر اجتناب کنید و سبک ارتباطی جرأتمندانه را داشته باشید...

۱: سبک ارتباطی منفعلانه

از ویژگی های افراد دارای این سبک این است که فرد مقابل درخواست های غیر منطقی دیگران نه واکنشی دارد نه خودش می تواند درخواست معقول را با دیگران مطرح کند از نشانه های این سبک می توان به صدای آرام و لرزان؛ نگاه سرگردان و سر او به پایین اشاره کرد

احساس خشم از خود؛ تنفر از دیگران؛ ناکام ماندن؛ از نتایج رفتار منفعلانه است

۲: ارتباطی پرخاشگرانه

اگر سبک ارتباطی منفعل یک طرف باشد سبک ارتباطی پرخاشگرانه دقیقاً طرف مقابل طیف است هرچه به حریم شخصی آدمهای منفعل تجاوز می شود انسان پرخاشگر به حریم شخصی دیگران تجاوز میکنند وقتی از سبک ارتباطی پرخاشگری استفاده می کنیم هم برای درخواست کردن و هم برای جواب دادن درخواست دیگران یک راه وجود دارد بلند صحبت کردن؛ دست به کمر زدن از نشانه های غیر کلامی سبک پرخاشگرانه می باشد

نتایج سبک پرخاشگرانه

پرخاشگر با این رفتار اول از همه زمینه تعارض و کشمکش با طرف مقابلش را به وجود می آورد خیلی از کشمکش های خیابانی که هر دو طرف می خواهند از صفحه پرخاشگرانه استفاده کنند.

۳: سبک ارتباطی منفعله پرخاشگر

پیچیده ترین سبک ارتباطی سبک منفعلانه پرخاشگر آن است یک نفر پرخاشگری اش را با انجام ندادن یک کار بروز می دهد به عنوان مثال در کتاب روانشناسی درباره این سبک مثالی میزند که کارمندی است که پشت میز نشیند و به ارباب رجوع جواب تند می دهد و عملاً کار ارباب رجوعش را عقب می اندازد.

نشانه های کلامی و غیر کلامی

طعنه و کنایه از نشانه های کلامی / بی اعتنائی؛ و خود را به کوری و کوری زدن از نشانه های غیر کلامی این سبک می باشد

۴: سبک ارتباطی جرأتمندانه ها

سبک ارتباطی جرات مندانه نه در حد سبک پرخاشگرانه خشن است و نه در حد سبک منفعلانه و پذیرنده

از بهترین و سالم ترین سبک ارتباطی سبک ارتباطی جرات مندانه است؛ به راحتی درخواست هایمان را مطرح می کنیم و به راحتی به درخواست دیگران نه می گوئیم

البته یاد گرفتن این سبک به راحتی نیست...

توصیه هایی برای داشتن سبک ارتباطی جرأتمندانه

درخواستتان را سبک سنگین کنید



## ایستگاه ادبی

### مراد دل

بعد هر شب می شود روزی پدید \*  
غصه گرداری بگیر آن را ندید

هر چه هست در این جهان فرسودنی است \*  
می توان این را به گورستان بدید

می شود با یک بهانه زنده شد  
قطره باران که از ابری چکید

می شود پاییز هر روزی شوی  
رنگ گرمی را زنی، رنگی جدید

گر چه عقل است رهنمای زندگی  
باید آن دیوانگی را کم ندید

تکیه گاهت گر که باشد لطف حق  
می توان بر هر مراد دل رسید

مریم آقاییاری

دانشجوی رشته آموزش جغرافیا



### مدافعان سلامت :

باز آمده ای تا بدمی جان به تن ما  
تا خار کنی گل بنهی در چمن ما

چون هیمه در آتس شده ای تا به زمستان  
از یخ زدن آسوده بماند بدن ما

غرق عرق رنج سدی تا که نبینی  
اشک و غم چشمان تر مرد و زن ما

بی رنگ تو این بوم شود غرق سیاهی  
از سرخی تو رنگ گرفته وطن ما

این دیو به دستان تو از پای در آید  
می تاز بر او رستم طوفان شکن ما !



### بازی عشق :

بی تو کوید دل نم باران نمی گرفتم  
اشعار عاشقانه من جان نمی گرفتم

ماه رخت شدم چو به کیشتم در آمدم  
بازی عشق بی تو که پایان نمی گرفتم

گر چشم خضر خیره نمیشد به چشم تو  
آب بقا و چشمه حیوان نمی گرفتم

در خانه بود لیلی و مجنون ندیده بود  
بیهوده ورنه راه بیابان نمی گرفتم

تا اوج کفر برد مرا عشق تو، ولی  
این کفر اگر نبود دل ایمان نمی گرفتم...

محمد مهدی نورالهی

دانشجوی رشته ادبیات فارسی



عاشقی میگفت: من چنگ در چنگال عشق انداختم /  
 در مسیر عشق؛ آری من خودم را ساختم /  
 باط و بی ط؛ گه بی خود شدم از خود /  
 این بار آری؛ من خودم را یافتم /  
 گه عاشق و دیوانه /  
 گه ویرانه ی؛ ویرانه /  
 گه بیرون شدم زین خانه /  
 اشک ها را من اسیر پلک هایم ساختم /  
 من نبردی سهمگین با خود؛ خود داشتم /

فاطمه امامقلی  
 کارشناس علوم تربیتی

بنام خدایی که نامش کافی است برای شدن ها بودن ها و دل های تنگ،  
 دلی که تنگ باشد از زمین و زمان درمان ندارد،

یعنی دارد ها اما خاص است، درمانش هم درد است، هم درمان، خودم را می گویم خودت را می گویم  
 که گاهی در انتظار گاهی در فصل مرگ درختان و هق هق آسمان تمام خاک این شهر را زیر  
 قدم هایمان حس میکنیم، اما نمی دانیم چه خواهد شد و کجا خواهیم رفت، مگر میشود دل داد  
 وقتی دل نداشت؟ شاید...

زمین را پهنه خود میدانم و زیر لب با خود می خوانم که باز آ ای همه من که من ندارم  
 صبر ایوب و چشم یعقوب برای گریستن، من ندارم توان زلیخا برای یافتن یوسف.

بس باز آ

من در انتظار کسی نشستم ام که نمی داند انتظار چیست،

شاید باز آید و شاید باز آیم به آغوش...

آغوش مهربان زمین...

بهنام مولایی

دانشجوی رشته مشاوره و راهنمایی